

عقد اخوت؛ عامل وحدت در مدینه النبی ﷺ

رمضان قوامی
عضو حلقه علمی تاریخ

چکیده: برادری دینی - ساز و کاری که پیامبر اکرم ﷺ در میان مسلمانان به کار بست تا مسیر رشد و سعادت جامعه اسلامی را با شعار امت واحده، هموارتر کند - از دیرباز ویژگی خاص جامعه دینی اسلام بوده است. این نوشتار بر آن است تا با بررسی مفهوم برادری دینی در کلام نبوی، به نقش و تأثیر استراتژی برادری اسلامی در ایجاد وحدت و انسجام در امت واحده اسلامی بپردازد. **کلید واژگان:** اخوت، وحدت، اهداف پیامبر ﷺ، اتحاد و انسجام، سیره.

مقدمه

پرداختن به مباحث و مسائلی که فکر و روان، توازن و تعادل جامعه انسانی به آنها نیاز مبرم دارد، یکی از اهرمهای تعیین کننده در بحث وحدت و برادری است، چراکه اگر بخواهیم به اخوت و برادری و وحدت در میان فرق مختلف اسلامی به صورت عملی دست یابیم، باید راهی در پیش گیریم که از تئوری و فرضیه به دور باشد. در جلساتی که بین فرق اسلامی برگزار می شود، از کلی گویی پرهیز کنیم و بیشتر مسائل را به صورت شفاف و واضح به بحث و گفت و گو بگذاریم؛ زیرا برای حل اختلافات در مسائل فرعی به محیطی دوستانه و توأم با تفاهم نیاز است، نه محیطی که در آن جنگ و جدال و تکفیر یکدیگر حاکم است.

وحدت و برادری یکی از عوامل شناسایی زمینه های مشترک و موارد اختلافی بیهی کور کورانه، بدون شناخت روشهای یکدیگر در برداشت از آیات

و روایات و سیره عملی و سیاسی پیامبر اسلام ﷺ و ائمه اطهار (علیهم السلام) وحدت و اخوتی سطحی و ناپایدار خواهد بود؛ از این رو، مراجعه به کتب معتبر و علمای موثق هر مذهب، برای اطلاع از دیدگاههای آنان، با پرهیز از پذیرفتن هرگونه نسبتهای ناروا به سایر مذاهب، از مهم‌ترین راهکارهای عملی دستیابی به وحدت و اخوت دینی و اعتقادی جهان اسلام است.

برای دستیابی به وحدت و برادری عملی مسلمانان، باید سیره عملی رسول خدا ﷺ را در این خصوص بررسی کنیم. آنگاه پی خواهیم برد که آن حضرت ﷺ به نقل اکثر تاریخ‌نویسان و محدثان شیعه و سنی، برای رفع اختلاف اصحاب و هواداران خویش و به منظور یکپارچگی آنان در برابر دشمنان اسلام و مسلمانان، دو بار میان یاران خویش مراسم «عقد اخوت» (عهد و پیمان برادری) برگزار کرد. این پیمانها را می‌توان از بارزترین شواهد به‌کارگیری رهیافت وحدت اسلامی در جامعه آن زمان برشمرد.

یکی از این پیمانها که از مهم‌ترین ابتکارهای پیامبر ﷺ در به‌کارگیری عامل وحدت دینی در مدینه‌النبی به شمار می‌رود، «پیوند اخوت و برادری دینی» مسلمانان است که پیامبر ﷺ آن را به کار بست تا جامعه‌ای آرمانی و به‌دور از تفرقه‌فکنی به وجود آورد. چرا که اخوت اسلامی از برنامه‌های بسیار ارزشمند اسلام است که مراعات و عدم مراعات آن، در سعادت و سرفرازی جامعه اسلامی به‌غایت مؤثر و معیار خوشبختی و بدبختی جامعه اسلامی است.

مقاله بر آن است تا با بررسی نقش اخوت و برادری در مدینه‌النبی و سیره عملی رسول خدا ﷺ در این باره، تبیین کند که وضعیت مسلمانان آن‌گونه که برخی متعصبان و آشوب‌طلبان - گرفتار حمیت‌های جاهلی - پنداشته‌اند نیست. زیرا آنها کسانی هستند که آتش فتنه را در بین مسلمانان برافروخته‌اند تا آنها را فرقه فرقه و دسته دسته کنند. تا جایی که بعضی از مسلمانان، بعضی دیگر را تکفیر کنند و گاه نیز از یکدیگر برائت جویند، بدون اینکه برای این کار علتی داشته باشند. در صورتی که اکنون زمان علم و انصاف و عصر نور و منطق است؛ روزگاری است که می‌توان مطالب را از هر جهت درخور تأمل و مطالعه قرار داد، و به‌دور از هرگونه غرض‌ورزی و تعصب ناروا، به سوی کتاب خدا و سنت عظیم پیامبر اسلام ﷺ رفت و از این دو منبع بزرگ، اسلام را آموخت.

در این مقاله، تنها به تحلیل و بررسی پیمان اخوت در مدینه‌النبی - که یکی از مهم‌ترین اقدامات حضرت در ایجاد وحدت مسلمانان است - می‌پردازیم و مباحثی

مانند نقش عقد اخوت، اهداف رسول خدا ﷺ از پیمان برادری و نگاه رسول خدا ﷺ به برادری دینی را پی می‌گیریم.

نقش اخوت دینی در ایجاد امت واحد

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...﴾^۱

در تعالیم دینی و متون مختلف اسلامی، کلمات و اصطلاحاتی مانند: امت، امت واحده، الفت و اخوت اسلامی، برادری دینی، وحدت اسلامی، اتحاد اسلامی، و دارالاسلام و... به کار رفته است که مفاهیم این واژه‌ها به طور مستقیم یا غیر مستقیم، بر اهمیت، جایگاه و نقش برجسته وحدت و برادری در جامعه اسلامی دلالت دارد. واژه «برادری» در لغت بر برادر بودن، اخوت، مساوات، اخاء و مؤاخات دلالت دارد.^۲

استقرار رسول خدا ﷺ در مدینه، ضرورت‌های خاصی را به همراه داشت؛ از آن پس، مردم در انتظار نزول آیات قرآنی و فرمانهای رسول خدا ﷺ بودند تا بر اساس آنها زندگی نوین خود را شکل دهند. برای همگان روشن بود که در مدینه زندگی تازه‌ای شروع شده و ارزشهای دیگری جز آنچه در جاهلیت بود، مبنای زندگی جدید قرار گرفته است. شکل دادن به این حیات اسلامی نوپا نیازمند اقداماتی بود که انجام‌دادن آنها جز در صلاحیت رسول خدا ﷺ نبود. آن حضرت در طول حیات خود همواره در پی تشکیل جامعه موّحد و مقتدری بودند که وحدت میان اعضای آن از لوازم ضروری آن جامعه بود؛ از این رو، مهاجرین و انصار که پرورش یافته دو محیط مختلف بودند و در طرز تفکر و معاشرت فاصله زیادی با هم داشتند و ۱۲۰ سال با هم نبرد کرده و دشمنان خونی یکدیگر به شمار میرفتند، باید متحد می‌شدند؛ زیرا که با این اختلافات و مشکلات، ادامه حیات دینی و سیاسی میان آنها به هیچ وجه امکان‌پذیر نبود، ولی پیامبر ﷺ تمام این مشکلات را به‌گونه‌ای خردمندانه رفع کرد و در این راستا در اوایل حکومت خویش از طرف خدا مأمور شد که مهاجرین و انصار را با یکدیگر برادر کند. در سال نخست هجرت که مسلمانان توانستند بر مبنای دیگری به همبستگی خود توجه کنند و هویت خود را نه در تعصّب بر شاخصه‌های قبیله‌ای (چون حَسَب و نَسَب و حِلَف و قراردادهایی نظیر آنها)، بلکه بر بنیاد اصول اسلامی استوار سازند؛ از این رو، پیامبر ﷺ با هوشیاری کامل توانست به جای مفهوم همبستگی قبیله‌ای، «ملت واحد»

۱. احزاب/۲۱.

۲. محمد معین، فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۴۹۲؛ علی اکبر دهخدا، لغتنامه، ج ۳، ص ۳۸۹۸.

را جایگزین کند.

به طور خلاصه، رسول خدا ﷺ از مردمی کینه‌توز و کم‌خبر از قانون و نظام اجتماعی شهری، جامعه‌ای متحد، برادر، بلندنظر و فداکار به وجود آورد؛ چراکه گرچه سیاست خارجی برای هر حاکمی از اولویتهای حکومتی اوست، تا زمانی که امنیت و صلح در درون جامعه حاکم نباشد، امکان برنامه‌ریزی در این مسیر وجود ندارد؛ لذا در یک انجمن عمومی رو به صحابه خود کرد و فرمود: «دو به دو با یکدیگر برادر دینی شوید». البته برخی نوشته‌اند که پیش از هجرت نیز نوعی عقد برادری میان مسلمانان مکه بوده است که در ادامه به توضیح این گزارش می‌پردازیم.

البته لازم به ذکر است که مؤلفان نخستین منابع تاریخ اسلام، به چگونگی مؤاخات میان مسلمانان مکه اشاره‌ای ندارند، بلکه تنها در کتابهای سیره، به این بحث اشاره شده و از آن به «مؤاخات الاولیة» یاد کرده‌اند؛ چنان‌که ابن اثیر، ابن حبیب و جعفر مرتضی عاملی - با توجه به تاریخ مسلمان شدن برخی از افراد شرکت‌کننده در این مراسم - روایت کرده‌اند که پیامبر ﷺ پیش از هجرت، در مکه، بین مهاجرین عقد برادری و مواسات را اجرا نمود^۱.

همچنین روایات مربوط به زمان و مکان اجرای مؤاخات مهاجرین و انصار مختلف است. زمان آن در روایات سه ماه، پنج ماه، نه ماه، (پیش از ساختن مسجد یا هم‌زمان با آن) و نیز حتی یک سال پس از هجرت نیز گفته شده است. شیخ مفید، تصریح کرده است که پیمان برادری میان اصحاب در دوازدهم رمضان سال اول هجری رخ داده است^۲ که بنابر روایت انس، این مراسم در خانه او^۳ و بنابر روایات دیگر در مسجد انجام شده است.

پیامبر ﷺ دو بار میان مسلمانان عقد برادری بست:

در سال اول هجرت در مدینه

آنگاه که از سوی پیامبر ﷺ به همه مسلمانان و مؤمنان اطلاع داده شد که برای نماز مغرب در مسجد حضور یابند، اصحاب با شوق تمام به مسجد آمدند و پشت سر پیامبر ﷺ نماز خواندند. پس از نماز، حضرت برای آنها صحبت کرد و از اعمال نیک، نیت پاک و نیز برادری، مساوات و برابری که اساس وحدت و یگانگی معنوی مسلمانان

۱. محمد بن حبیب، محبر، ص ۷۰-۷۱؛ جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، ج ۳، ص ۱۷۲؛ علی بن عبدالله سمهودی، وفاء الوفاء، ج ۱، ص ۲۶۸؛ ابن اثیر، اسد الغابته، ج ۴، ص ۱۶.
۲. شیخ مفید، مصنفات شیخ مفید (مسار الشیعة)، ج ۷، ص ۲۳.
۳. احمد بن حسین بیهقی، سنن الکبری، ج ۶، ص ۲۶۲؛ ابن سید الناس، عیون الاثر، ج ۱، ص ۲۶۴.

است، سخن گفت. همچنین از پاداشی که مهاجرین و انصار در مقابل خدمات خود به اسلام خواهند گرفت، شرح مبسوطی ارائه کرد و سپس اظهار داشت:

ای مسلمانان و ای مؤمنان! برخی از شما به مکه آمدید و در عقبه، در دل شب با من بیعت کردید و مرا به شهر خود خواندید. برخی دیگر از آغاز اسلام به دین خدا درآمدید و در این راه هرگونه رنج و سختی را تحمل کردید و خلوص نیت و پاکی ایمان خود را نشان دادید. من اکنون به شما اعلام می‌دارم که شما افراد مهاجر و انصار برادر یکدیگرید. این برادری شما در آسمان منعقد شده و اکنون من عهد و پیمان و قضا و قدر را که بر لوح ابدیت مانند علم الهی نقش بسته است، به شما اعلام می‌دارم. شما برادرید، برخیزید و برادر خود را در این جمع انتخاب کنید و یکی از برادران را برای خود برگزینید!

این بیانات حضرت تأثیر عمیقی در حاضران گذاشت، جنب و جوشی در میان آنها به وجود آمد، بزرگ و کوچک، ثروتمند و فقیر جملگی برادر یکدیگر شدند.

شرکت‌کنندگان در پیمان برادری در مدینه از مهاجرین و انصار را ۹۰ تا ۱۰۰ نفر و نیز ۱۱۴ نفر گفته‌اند ابن جوزی از ابن عباس روایت می‌کند و می‌نویسد: من تمام آنها را شمارش کردم ۱۸۶ نفر بودند. روایات دیگر تعداد آنان را ۳۰۰ نفر بیان داشته است.^۱

بعضی از افراد شرکت‌کننده در این پیمان که با هم عقد برادری بستند، عبارتند از: حمزه عموی پیامبر ﷺ با زید بن حارثه، سلمان فارسی با ابوالدرداء، بلال با ابو رویحه، عثمان بن عفان با اوس بن ثابت، عمر بن خطاب با عویم بن ساعده، عباس بن عبدالمطلب با نوفل بن حارث، جعفر بن ابی‌طالب با معاذ بن جبل سپس علی علیه السلام به پیامبر ﷺ گفت: «یا رَسُولَ اللَّهِ! أَحَبَّتْ بَيْنَ أَصْحَابِكَ وَ لَمْ تُؤَاخِ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَحَدٍ؛ میان یاران عقد برادری بستی و برای من برادری تعیین نکردی». آن حضرت فرمود: «انت أخي في الدنيا والآخرة...؛ تو در دنیا و آخرت برادر من هستی و به این علت کار برادری تو را عقب انداختم که می‌خواستم در پایان با تو برادر شوم. چون تو نسبت به من، مانند هارونی نسبت به موسی علیه السلام جز اینکه پس از من پیامبری نیست؛ تو برادر و وارث من هستی»^۲.

۱. زین‌العابدین راهنما، پیامبر، زندگانی حضرت رسول اکرم، ص ۵۳۹.

۲. به نقل از: محمدرضا هدایت‌پناه، حدیث برادری در سیره نبوی، ص ۳۰.

۳. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۷۰؛ ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۱۲۳-۱۲۶؛ محمد یوسف صالحی شامی، سبیل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، ج ۳، ص ۵۳۲-۵۳۸؛ غیاث الدین خواند میر، تاریخ ۱، ص ۳۲۹؛ قندوزی، ینابیع الموده، ج ۱، ص ۵۵.

بنابر روایتی، هیچ مهاجری نماند مگر اینکه با یک نفر از انصار، پیمان برادری برقرار کرد. شاید علت این اختلاف در ارقام افراد شرکت‌کننده، ناشی از پیوستن دیگر مسلمانان به پیمان برادری به صورت تدریجی در طول ده سال در مدینه بوده است.^۱ بنابراین، بر اساس همین اخوت اسلامی، مهاجرین که با از دست دادن همه چیز خود، به مدینه آمده بودند، مورد استقبال و پذیرایی و کمک برادران خود قرار گرفتند. در میان همه افراد، صداقت و همکاری به وجود آمد و همه خود را در دارایی و اموال برادر مؤمن خود شریک دانستند. در این پیمان کوشش می‌شد تا در انتخاب افراد روحیات مشترک در نظر گرفته شود؛ یعنی کسانی با یکدیگر برادر شوند که زمینه سازگاری میان آنان فراهم باشد. البته علاوه بر این همبستگی دینی، در برخی موارد نیز احساس همبستگی و مسئولیت می‌کردند، مانند:

۱- مساعدت و یاری همدیگر در دشواریهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی؛

۲- مراقبت از یکدیگر در میدانهای جنگ؛

۳- احساس مسئولیت و تعصب شدید نسبت به خانوادههای یکدیگر پس از

شهادت یا مرگ طبیعی یکی از طرفین؛

۴- یاری متقابل به هنگام بیماری یا تنگدستی؛

۵- کوشش متعصبانه نسبت به آزادی یکدیگر به هنگام اسارت.^۲

البته بنا به برخی از گزارشها، گویا در آغاز یکی از فواید و نتایج عقد اخوت، ارث بردن مسلمانان از یکدیگر بود، اما بعدها پس از جنگ بدر با نزول آیه ﴿...وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ...﴾^۳؛ این قانون لغو و نسخ شد^۴؛ و در محدوده «ذوی الارحام» یعنی رابطه خویشی و خانوادگی قرار گرفت.

پیامبر ﷺ می‌دانست، مهمترین عاملی که مسلمانان را از گرایش به وحدت اسلامی باز می‌دارد، این همبستگی نژادی و قومی است؛ لذا در مقام از بین بردن هرگونه قبیله‌گرایی و قوم‌گرایی فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ آبَائَكُمْ وَاحِدٌ... لَيْسَ

۱. ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۲، ص ۱۵۰؛ ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۲۳۸؛ احمد بن يحيى بلاذري،

انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۱۸-۳۱۹؛ ابن سيد الناس، عيون الاثر، ج ۱، ص ۳۲۱؛ نورالدين علي بن عبدالله سمهودي، وفاء الوفاء، ج ۱، ص ۲۶۷؛ محمد يوسف صالحی شامي، سبل الهدى والرشاد في سيرة خير العباد، ج ۳، ص ۳۶۳.

۲. غلامحسين زرگری‌نژاد، تاريخ صدر اسلام (عصر نبوت)، ص ۳۵۰.

۳. انفال ۷۵.

۴. احمد بن يحيى بلاذري، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۷۰؛ ابن سعد، طبقات الكبرى، ج ۱، ص ۲۳۸-۲۳۹؛ بخاری،

۸، ص ۵۵۸، حديث ۱۵۹۵.

فَضْلٌ لِّعَرَبِيٍّ عَلَيَّ وَعَجْمِي وَلَا لِعَجْمِي عَلَيَّ عَرَبِيٍّ وَ... الْأَبَالَتَّقْوَى»^۱.

حضرت در حجة الوداع خطاب به مسلمانان، با تکرار این معنا اعلام داشتند که هیچ عربی را بر عجم و هیچ سفیدی را بر سرخ و برعکس، برتری و فضیلتی جز تقوی و پرهیزکاری نیست.

در این میان، پیامبر در بیان اینکه اسلام خاص عرب و امری نژادی نیست و رسالتش عمومی و جهانی است، با اشاره به بلال و صهیب و سلمان، بلال را نخستین میوه حبشه و صهیب را نخستین میوه روم و سلمان را نخستین پارسی نژادی که به دین خدا گرویدند، معرفی کرد و امت اسلامی را فراتر از مرزهای ملی و نژادی دانست.^۲

مؤاخات در مرحله نخست میان مسلمانان به صورت دو به دو برقرار می‌شد، ولی با نزول آیه ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ...﴾^۳ برادری عمومی اعلام و مواخات وارد مرحله جدیدی شد. زیرا آن حضرت دین مقدس اسلام را برای همگان آورد و رسالت جهانی او تحقق اصول برجسته اسلام، مساوات و برابری میان همه اقوام و ملیتها و نفی هرگونه تبعیض و امتیازاتی بود که مردم به آن عادت کرده و طبق آن رفتار می‌کردند. چراکه در عصر بعثت پیامبر ﷺ تعصبات در شبه جزیره عربستان، به اوج خود رسیده بود و مردم عرب به قبایل و تیره‌های متعدد تقسیم می‌شدند. هر قبیله‌ای خود را بهترین قبیله می‌پنداشت و از نژاد و نسب خود با تعصب تمام دفاع می‌کرد؛ به طوری که هر قبیله‌ای از مظاهره و دوستی با قبایل دیگر خودداری می‌کرد و هر قبیله خود را آتش پاره نام می‌نهاد تا کسی جرئت تعرض به آن را نداشته باشد. هیچ قبیله‌ای، قبیله دیگر را هم کفو خود نمی‌دانست و از این رو، به یکدیگر دختر نمی‌دادند.^۴ هنگامی که رسول خدا ﷺ مبعوث شد، ابلاغ فرمود که نژاد و فرقه‌گرایی عشیره‌ای، تنها برای شناسایی و معرفی خلق است، نه اینکه خود موجب امتیاز باشد: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا...﴾^۵؛ «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را در شاخه‌ها و تیره‌هایی قرار دادیم تا شناخته شوید».

پیمان اخوت در سیره عملی پیامبر ﷺ در زمینه وحدت مسلمانان بدین هدف بود که آن حضرت می‌خواست یک دولت نیرومند مرکزی و ملتی بر پایه هم‌کیشی و

۱. علی بن حسین بن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول، ص ۳۴.

۲. حسن ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه پاینده، ج ۴، ص ۱۸۹.

۳. حجرات/۱۰.

۴. مهدی پیشوایی، تاریخ اسلام، ص ۳۹-۴۰؛ به نقل از آلوسی، ج ۱، ص ۲۸۰.

۵. حجرات/۱۳.

اسلامیت به نام «امت» در جهان اسلام به وجود آورد؛ به همین جهت، حضرت با این طرح، وحدت سیاسی را با وحدت معنوی مسلمانان گره زد تا بنیان وحدت اسلامی، استوار بماند.

دوران دعوت و رسالت پیامبر اسلام ﷺ به طور کلی به دو مرحله مکی و مدنی تقسیم می‌شود. در مرحله نخست که دوره شکل‌گیری و تکوین ملت و امت است، مؤمنان و مسلمانان در شکستن مرزهای جاهلی و مصنوعی و شرک‌آمیز، به انواع زجرها و شکنجه‌ها دچار شدند و با مجاهدات فراوان و رهبری پیامبر ﷺ توانستند با حاکم کردن جهان‌بینی توحیدی بر روابط قبیله‌ای، امت واحد و اسلامی متحد را ایجاد کنند.

مسلمانان در دوران مدینه نیز توانستند با آموختن آموزه‌های دینی نظیر اذان، نماز جماعت و نماز جمعه، وحدت دینی عربستان را با وحدت سیاسی همراه سازند.

از دیدگاه اسلام، اخوت دینی زمینه‌ای است که وحدت اسلامی از آن می‌شکفت و به آن نمود اجتماعی و ارزش انسانی می‌بخشد. روابط انسانها در مناسبات اجتماعی، می‌تواند بر معیارهای گوناگون استوار شود. استوارترین این روابط، رابطه قلبی و عاطفی بر پایه مسائل معنوی است که به ارتباطات فرهنگی جامعه استحکام و عمقی خاص می‌بخشد. اسلام با اعلام رابطه برادری در بین مؤمنان، آشکارا به رابطه برخاسته از محبت که لازمه برادری و اخوت است، تأکید می‌ورزد. این برادری که به سبب وجود اسلام و ایمان به خدا ایجاد می‌شود و نظام تربیتی و اخلاقی اسلام نیز پشتیبان آن است، به اجتماع مؤمنان، وحدتی پایدار می‌بخشد. در این دوران، با موضعگیری صحیح و هوشیارانه پیامبر ﷺ، نه تنها از تفرقه و نفاق و دودستگی میان مسلمانان پیشگیری شد و رخنه‌ای در صفوف آنان ایجاد نشد، بلکه به وحدت هر چه بیشتر آنها و منزوی شدن عناصر ضد انقلاب و منافق انجامید.

بنابراین، باید اصل وحدت و برادری را یک اصل مسلم اسلامی دانست که ترسیم‌کننده روح بین‌المللی جامعه اسلامی است و بدون آن نمی‌توان از جامعه اسلامی به عنوان جامعه‌ای زنده و پویا یاد کرد؛ اگر چه دارای دولتها و سازمانهای گوناگون و تشکلهای سیاسی - اجتماعی باشد.

۱- در شهر مکه قبل از هجرت

در صدر اسلام پیامبر ﷺ به همراه هفتصد و چهل نفر در منطقه «نخیله» حضور

داشتند که جبرئیل نازل شد و فرمود: «خداوند میان فرشتگان عقد برادری بسته است، حضرت نیز میان اصحابش عقد اخوت بست و هر کس با کسی دیگر برادر شد»^۱. در کتب تاریخی ۱۸ نفر نام برده شده است که پیامبر ﷺ میان آنها عقد اخوت و برادری برقرار کردند، چنان که آن حضرت میان ابوبکر و عمر، عثمان و عبدالرحمان بن عوف، ابو عبیده جراح و سالم مولی ابوحذیفه، مصعب بن عمیر و سعد بن ابی وقاص، حمزه با زید بن حارثه، عبیده بن حارث با بلال، طلحه و سعید بن زید بن عمرو بن نفیل، زبیر و عبدالله بن مسعود و بنا بر نقل دیگر با طلحه عقد برادری بست. آن گاه از میان جمعیت، علی رضی الله عنه را برگزید، او را از میان مسلمانان بیرون کشید و گفت: «تو برادر من هستی»^۲.

چرا رسول خدا ﷺ را برای عقد برادری برگزید؟

اگر چه برای برادری رسول خدا ﷺ کسی جز امام علی رضی الله عنه شایسته نیست، اما همه آنچه نویسندگان و مورخان در تبیین این انتخاب گفته‌اند، سخنی شایسته و درست است، بویژه این که رسول خدا ﷺ و علی رضی الله عنه هر دو از مهاجرین بودند و رویکرد صرفاً اجتماعی عقد اخوت به استحکام روابط مهاجرین و انصار می‌انجامید، نه به تحکیم مناسبات میان انصار با انصار و یا مهاجرین با مهاجرین. با این حال، علاوه بر آن باورها، آنچه در نگرش اجتماعی به عقد اخوت میان پیامبر ﷺ و حضرت علی رضی الله عنه اهمیت دارد، این است که اگر عقد اخوت میان رسول خدا با یک نفر از اوس یا خزرج بسته می‌شد، معضل تحریک عواطف دو گروه انصار پیش می‌آمد، لکن رسول خدا ﷺ با انتخاب علی رضی الله عنه هم بر انحصار همتایی او با خود تأکید کرد و هم از بروز بحران و تحریک تعصبات پیشگیری کرد^۳.

اهداف رسول خدا ﷺ از عقد اخوت

تصمیم پیامبر ﷺ بر عقد اخوت میان مسلمانان در مکه و نیز مهاجر و انصار در مدینه؛ توانست معضل اجتماعی - سیاسی بسیار مهمی که مسلمانان صدر اسلام را

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۳۳۵.

۲. غیاث الدین خواندمیر، تاریخ حبیب السیر، ج ۱، ص ۳۲۹؛ ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۳۸-۲۳۹؛ احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۱۸؛ ابن سیدالناس، عیون الاثر، ج ۱، ص ۳۲۱؛ محمد بن یوسف صالحی شامی، سبل الهدی والرشاد فی سیرة خیر العباد، ج ۳، ص ۳۶۳.
۳. غلامحسین زرگری نژاد، تاریخ صدر اسلام، ص ۳۵۰.

درگیر اختلافات شدید قبیله‌های و تعصبات جاهلی کرده بود، برطرف کند. در چنین شرایطی، اهداف پیامبر رحمت ﷺ را به‌طور کلی می‌توان به اهداف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تقسیم کرد. البته در کنار این اهداف مهم، اهداف دیگری در تفکر و اندیشه رسول خدا ﷺ بود که آن حضرت در موقعیتهای بسیار حساس از آنها استفاده کرد. ما تنها سه هدف اساسی و بنیادی آن را به‌طور اختصار مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف: سیاسی

با نگاهی به روحیه ستیزه‌جویی مشرکان و ترس و وحشت آنان از گسترش اسلام در شبه جزیره عربستان، به نظر می‌رسد رسول خدا ﷺ هجرت خود و اصحابش به مدینه را، پایان ماجرا نمی‌دانستند، بلکه بر این باور بودند که پس از هجرت، مبارزه اسلام با مشرکان، وارد مرحله جدیدی خواهد شد.

با توجه به این نکته، ضروری بود که پیامبر ﷺ هر چه زودتر خود را برای هرگونه اقدامی از سوی مشرکان آماده سازد و در این راستا، مدینه به یک ثبات سیاسی دست یابد. از سویی، جامعه مسلمانان مدینه از گروه‌ها و قبایل مختلفی تشکیل شده بود. گروهی در مدینه بودند که انصار خوانده می‌شدند و گروهی که به مدینه هجرت کرده بودند، مهاجرین نام داشتند. این دو گروه با توجه به حوادث و وقایع دوران جاهلیت و تعصبات قبیله‌ای، اختلافاتی از نظر فرهنگی، اجتماعی و سیاسی داشتند که این خود می‌توانست بحرانهایی برای رسول خدا ﷺ به وجود آورد. از سوی دیگر، مهاجرین دارای مشکلاتی نظیر رقابت‌های شدید قبیله‌ای بوده و یا در میان آنان کسانی بودند که پیش از اسلام، خونهایی ریخته و به مدینه آمده بودند!

انصار یعنی اوس و خزرج نیز جنگ صد ساله با هم داشتند و تضاد میان این دو قبیله به گونه‌ای بود که خزرجیان نتوانستند برای استقبال رسول خدا ﷺ به منطقه قبا که اوسیان حضور داشتند، بیایند!

بنابراین ترکیب این دو گروه با چنین زمینه‌هایی، خالی از اشکال نبود و می‌توانست تنشها و چالشهایی را فراروی رسالت پیامبر ﷺ قرار دهد. از این رو، پیامبر ﷺ بی‌درنگ اوضاع سیاسی مدینه را سامان داد و مسلمانان را برای تهدیدهای قریش و دیگر

۱. ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۳، ص ۱۳۹.

فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۶۴-۶۶.

مخالفان آماده ساخت. به همین دلیل مسئله اخوت را مطرح کرد تا با برادری و وحدت و انسجام میان نیروهای مختلف در مدینه ثبات سیاسی به دست آید. درست است که اخوت در مرحله نخست دو به دو بود و دستیابی به ثبات سیاسی و اتحاد کامل بین مسلمانان نیاز به موضوعی عام تر و فراگیرتر، از جمله اخوت عمومی داشت. با اندکی تأمل می توان پی برد که حاصل این پیمان برادری میان تک تک نیروهای دو گروه مهم مسلمانان یعنی مهاجرین و انصار، همان نتیجه اخوت عمومی را به دنبال داشت. واقع، پیمان برادری در مرحله نخست، زنجیره اتصال میان این دو گروه مسلمانان در مدینه به شمار می آمد.

ب: اقتصادی

مسلمانان پس از هجرت به مدینه، از نظر اقتصادی در مضیقه بودند و مؤاخات و برادری می توانست تا حد زیادی این مشکل را حل کند. توجه حضرت به مسئله اقتصاد و تجارت قابل تأمل است. زیرا اقتصاد بدنه اجرایی هر جامعه و حکومت است. برخی از محققان، ریشه و هدف اصلی پیمان اخوت را تنها در بعد اقتصادی و فقر مهاجرین دانسته و می گویند:

«فلسفه مؤاخات، رفع مشکل اقتصادی و فقر مهاجرین بوده است، از این رو، در ارث با انصار شریک شدند، اما پس از بدر به دلیل اینکه مهاجرین غنایم بسیاری به دست آوردند، این مشکل رفع شد و بنابراین مؤاخات نیز لغو شد».^۱

اما اگر مؤاخات چنین هدفی را دنبال می کرد، بایستی فقرا با اغنیا مؤاخات برقرار می کردند، اما می بینیم عده ای از فقرا مهاجر در این پیمان حضور ندارند؛ مانند: آنسه، ابوکبشه، عکاش بن محض، صالح بن شقران غلام رسول خدا ﷺ و از طرفی، عده ای از انصار که در این پیمان شرکت داشتند، از فقرا بودند؛ مانند: سهل بن حنیف و ابودجانه که پیامبر از غنایم بنی نضیر تنها به این دو نفر از انصار بخشیدند.^۲

به نظر می رسد، این گونه تحلیلها ناشی از یک سونگری به ماجرا و چشم پوشی از نصوص تاریخی است.

روایتی از ابن عمر نقل شده که مبین ارتباط مستقیم مؤاخات با مشکل اقتصادی مهاجرین است. او میگوید: اوضاع ما به گونه ای شده بود که اگر مرد مسلمانی درهم و

۱. عبد العزیز الدوری، النظم الاسلامیة، ص ۲۰-۲۱.

۲. عبدالله عبد العزیز بن ادريس، مجتمع المدینة فی عهد الرسول، ص ۱۳۸.

دیناری داشت، هیچ کس به اندازه برادر ایمانی او به آن پول نزدیک تر نبود.^۱
در روایت دیگر آمده است که:

«رسول خدا ﷺ خطاب به انصار فرمود: برادران شما (مهاجرین) اموال و اولاد خود را رها کرده، به سوی شما روی آورده‌اند. انصار پاسخ دادند: یا رسول الله ﷺ! تمام دارایی ما را با آنان قسمت کن. حضرت در حالی که پیوسته از آنان سپاس‌گذاری می‌کرد، فرمود: راه دیگری هست. این گروه با کار [کشاورزی] آشنایی ندارند، شما به آنان کار بیاموزید تا برای شما کار انجام دهند، در عوض، آنان را در ثمره و میوه‌ها شریک کنید»^۲.

آری! این سیاست پیامبر ﷺ باعث شد که نه تنها انصار در مقابل فقر اقتصادی مهاجرین بی تفاوت نباشند، بلکه به طریق اولی با پیمان برادری، ارتباط بین آنها مستحکم‌تر شد، تا آنجا که آنان را بر خود مقدم می‌داشتند، چنان‌که در این آیه اشاره شده است:

﴿وَالَّذِينَ تَبَوَّؤُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَتَوْكَانَ بِهِمْ خِصَاصَةً وَمَنْ يَوْقَ شَحِّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ...﴾^۳؛ «و کسانی که پیش از هجرت مهاجرین در مکه به رسول خدا ﷺ ایمان آوردند و مدینه را خانه ایمان گردانیدند و مهاجرین را که به سوی آنها آمدند دوست می‌دارند و از غنایم بنی‌نضیر که به آنها داده شد، در دل خود هیچ حاجتی و حسد و بخلی نسبت به آنها نمی‌یابند، هر چند به چیزی نیامند باشند، باز مهاجرین را بر خویش مقدم می‌دارند...».

بعضی از مفسران گفته‌اند، این آیه مطلبی جدید را بیان می‌کند و می‌خواهد انصار را که از فیء سهم نخواستند، مدح کند تا دلگرم شوند^۴.

ج: اجتماعی

از جمله اهداف مهم تأسیس نظام برادری، بُعد اجتماعی آن است. عداوت و دشمنی و کینه‌ای که از دوران جاهلیت در دلها، به‌خصوص در میان انصار، باقی مانده بود، حقیقتی است که قرآن کریم چنین به آن تصریح کرده است: ﴿... إِذْ كُنْتُمْ

۱. ابن سید الناس، عیون الاثر، ج ۱، ص ۳۲۲-۳۲۳.

۲. کامل سلامة، دولة الرسول من التكوين الى التمكين، ص ۳۹۹؛ بیهقی، سنن الکبری، ج ۶، ص ۱۱۶.

۳. حشر/۹.

۴. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۵۹؛ علامه طباطبایی، المیزان، ج ۹، ص ۲۳۹.

أَعْدَاءٌ...»؛ «...آن هنگام که با هم دشمن بودید...». این عداوت، عداوتی ساده و ظاهری نبود که با میانجی‌گری یک یا چند نفر برداشته شود، بلکه عمق این معضل اجتماعی به گونه‌ای بود که خداوند به رسولش چنین خطاب می‌کند: «و دل‌های آنان را به هم الفت داد، اگر تمام آنچه روی زمین است، صرف می‌کردی که میان دل‌های آنان الفت دهی، نمی‌توانستی! ولی خداوند در میان آنان الفت ایجاد کرد، او توانا و حکیم است.^۱ بنابراین برادری تنها یک استراتژی سیاسی نبود که در قالب لفظ و شعار خلاصه شود، نیازی بود که به خوبی احساس می‌شد، اما پذیرش و تحقق برادری در آن جامعه کار آسانی نبود. این‌که از آنان خواسته شود، دشمنی‌های گذشته را کنار بگذارند، ممکن می‌نمود، اما اینکه پیوند برقرار کنند، آن هم به شکل مواخات، کاری بس بزرگ و مشکل بود. تنها ایمان به خدا توانست چنین هدفی را محقق سازد.

سهیلی در تحلیلی که از پیمان اخوت به دست داده، می‌گوید:
رسول خدا ﷺ زمانی که به مدینه آمد، میان اصحاب خود عقد مواخات بست تا وحشت غربت را از میان بردارد و پس از مفارقت اهل و عیال، آنان را به یکدیگر مانوس سازد و برخی را کمک برای دیگران قرار دهد.^۲

با چنین اوضاعی، یکی از تدابیر مهم پیامبر ﷺ بر محو عصبیت قومی و قبیله‌ای، عقد اخوت و برادری بود که در تحقق آن، بین مسلمانان مهاجر و انصار، درنگ نکرد؛ زیرا درگیری میان دو نفر به گونه‌ای بود که جنگ و نزاع میان دو قبیله را در پی داشت و به بهانه تعصبی جاهلانه به جان هم می‌افتادند. بدیهی است که چنین مسائلی می‌توانست آرامش و امنیت جامعه را برهم زند و از همه مهمتر، جلوی رشد و پیشرفت افراد اجتماع برای رسیدن به هدف نهایی - سیر الی الله - را بگیرد.

آنچه در تحلیل رفتار سیاسی و اجتماعی آن حضرت در این راستا بسیار مهم است، انفکاک کامل فکری و شخصیتی پیامبر ﷺ از تمامی تعصبات قومی و کوشش او در القای نگرشی فراقومی و فرانژادی به مسلمانان است. آن حضرت با این دید، یک جامعه آرمانی و به دور از هرگونه تعصبات قبیله‌ای و مذهبی تشکیل داد و آن را «امت واحده» نام نهاد و فرمود: «إِنَّهُمْ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ مِّنْ دُونِ النَّاسِ»^۳. تعبیر امت واحده از مبنایی‌ترین مفاهیم سیاسی - دینی اسلام است که در تمامی مفاهیم دیگر جریان

۱. آل عمران/۱۰۳.

۲. «و أَلَفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ...» (انفال/۳).

۳. عبدالرحمان سهیلی، الروض الانف فی شرح سیرة النبویة لابن هشام، ج ۴، ص ۲۹۶.
ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۲، ص ۱۴۷.

داشته و چارچوب اساسی سیاست اسلامی را معین می‌کند.

در جامعه اسلامی تمامی قبایل و طوایف مختلف امت واحده و با هم برادر و برابرند. اساساً حسن سلوک، اخلاق نیکو، نرم‌خویی، ملاطفت، عفو، اغماض و مدارای پیغمبر ﷺ، در جبهه داخلی و در برخورد با مسلمانان و مؤمنان و همه کسانی که دشمنان قسم خورده اسلام و مسلمانان نبودند و خلاصه در ایت و حسن تدبیر ایشان و همه‌گونه صفات حسنه که حاکی از نفس مطمئنه و خدابین توحیدی آن حضرت داشت، در دفع کدورتها، کینه‌ها، بدبینیها و خصومتها نقش بسیار عمده‌ای داشت! در مقابل، این ویژگیها در ایجاد و رشد الفت، محبت، اخوت، وحدت و همبستگی میان مسلمانان و مؤمنان بسیار تأثیر گذار بود؛ چرا که یکی از باریک‌بینی‌های پیامبر ﷺ در انعقاد عقد اخوت بین مسلمانان، رعایت تناسبهای روحی، رفتاری و اخلاقی در کسانی بود که بین آنها پیمان برادری برقرار کرد. رعایت این اصل، حاکی از اهداف والای این طرح است؛ زیرا تا زمانی که اختلافهای درونی حاکم باشد، شکل‌گیری یک جامعه منسجم که بتواند مشکلات خود را حل و فصل کند، برای بهتر زندگی کردن برنامه‌ریزی نماید و از همه مهم‌تر از مرزهای خود دفاع نماید، امکان‌پذیر نیست.

پیامبر اکرم ﷺ در سایه چنین اعتقادی، توانست وحدت حقیقی را در میان اقشار مختلف جامعه به شکل کامل تحقق بخشد و میان جامعه بشری یک امت واحد و منسجم و به دور از هرگونه تعصبات قبیله‌ای و برتری‌جویی تأسیس کند.

اخوت دینی در کلام نبوی

یکی از مواردی که در مجموعه بیانات نبوی ﷺ مورد اهمیت واقع شده، اخوت و همبستگی مسلمانان است. ایشان در بسیاری از مواقع اخوت و برادری را به مسلمانان توصیه می‌کرد و آنها را به همبستگی و دوری از جدال و تفرقه دعوت می‌کرد و بر آن مکرر تأکید می‌فرمود:

«الْمُسْلِمُ أَخُ الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يُسَلَّمُهُ»^۱؛ «مسلمان برادر مسلمان است که به

وی ظلم نمی‌کند و وی را تسلیم ستمکار نمی‌نماید». یا در جای دیگر می‌فرماید:

«لَمْؤْمِنٍ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ الْمَرْصُوعِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا، ثُمَّ شَبَّكَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ»^۲؛

«مؤمن برای مؤمن چون بنایی استوار است که هر خستی موجب محکمی خست دیگر

۱. ابن هشام، سیرة النبویة، ج ۱، ص ۷۸۲.

۲. هاشم صالحی، نهج الفصاحة، ترجمه ابراهیم احمدیان، ص ۵۲۹، حدیث ۳۰۸۵.

آن می‌باشد. آنگاه برای تأکید سخن، انگشتانش را میان هم نمود».

نیز در جای دیگر می‌فرماید:

«سه چیز است که هرگز دل مؤمن نسبت به آنها جز اخلاص، چیز دیگری را نمی‌طلبد؛ یعنی در آن سه چیز محال است که خیانت بکند... سومین آنها: «مسئله وحدت و اتفاق مسلمین، یعنی نفاق نورزیدن، شق عصای مسلمانان نکردن و جماعت مسلمانان را متفرق نکردن است»^۱.

پیامبر ﷺ فراتر از مرزهای فردی، شخصی، خانوادگی، قومی و ملی، اهتمام به امور مسلمانان را به طور کلی و عمومی، مورد توجه قرار داده و کسی را که به این مهم نپردازد، مسلمان نمی‌داند:

«مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ، فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»^۲.

رسول خدا ﷺ در بسیاری از سخنانش تأکید فرموده‌اند که مسلمانان باید خصومت و جدال و تفرقه‌افکنی را از خود دور کنند و به سوی جماعت و اتحاد روی آورند؛ آنجا که می‌فرماید:

«إِيَّاكُمْ وَالْمِرَاءَ وَالْخُصُومَةَ، فَإِنَّهُمَا يُمْرِضَانِ الْقُلُوبَ عَلَى الْإِخْوَانِ وَ يَنْبِئُ عَلَيْهِمَا التَّفَاقُ»^۳.

«مبادا به مجادله و مخاصمه بپردازید. زیرا جدال و مخاصمه موجب بیماری قلب برادران ایمانی می‌شود و در دلها تخم نفاق و جدایی می‌رویاند».

آن حضرت در موارد مختلف مسلمانان را به جماعت و نهی از تفرقه و جدایی دعوت می‌کرد و می‌فرمود: «کسی که از جامعه مسلمانان فاصله بگیرد، از حوزه اسلام و دیانت بیرون آمده است»^۴.

در تعبیر دیگری فرموده‌اند: «کسی که به اندازه یک وجب، از جماعت مسلمانان کناره بگیرد و در آن حال بمیرد، مرگش در حال جاهلیت بوده است»^۵.

نیز در کلام دیگری می‌فرماید:

«مَثَلُ الْأَخْوَيْنِ مَثَلُ الْيَدَيْنِ يَغْسِلُ أَحَدُهُمَا الْأُخْرَى»^۶؛ «مثل دو برادر دینی همچون

دو دست است که همدیگر را شست‌وشو میدهند».

۱. بخاری، صحیح بخاری، باب الادب، ص ۳۷؛ مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ص ۶۶.

۲. مرتضی مطهری، سیره نبوی، ص ۱۴۹، به نقل از اصول کافی، ج ۲، ص ۳۰۰.

۳. کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۳.

۴. همان، ج ۲، ص ۳۰۰.

۵. شیخ صدوق، امالی، ص ۲۹۷.

۶. محمد بن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، ج ۱، ص ۴۹۷.

بهرحال، هر جامعه‌ای بر اساس تفکر و بینشی که پذیرفته، برای اداره صحیح و تنظیم امور خود از اسباب و وسایل خاصی، مانند تقسیمات طبقاتی، قراردادهای اجتماعی، مفاهیم ملی و نژادی استفاده می‌کند. اما هیچ عاملی نتوانسته و نمی‌تواند مانند دین در میان جوامع بشری، نقش مهمی در ایجاد وحدت و همبستگی ایفا کند، البته آن دینی که به تعلقات و خواسته‌های بشری آلوده نشده باشد.

در جزیره العرب با وجود قراردادهای اجتماعی و دینی - به معنای عام آن - تفرقه، تشّت و از هم گسیختگی افراد از میان نرفت؛ چرا که اساس این پیمانها نوعاً مبتنی بر رقابت‌های قبیله‌ای و جنگ‌های پی‌درپی آنان بود. این مسائل تا جایی پیش رفته بود که حتی دین را نیز تحت الشعاع خود قرار داده و هر قبیله، برای رقابت با قبیله مخالف خود، خدایی غیر از خدای آنان را می‌پرستیدند؛ چرا که به اعتقاد خودشان آنان باید خدایی را می‌پرستیدند که دشمنانشان را از بین ببرد، همان‌طور که دشمن نیز باید خدایی را انتخاب می‌کرد که ایشان را از بین ببرد؛ مانند لشکرکشی ابرهه برای ویران کردن کعبه^۱.

در مقابل چنین جامعه‌ای، جامعه توحیدی قرار داشت که با ظهور اسلام در جزیره العرب تشکیل شد. ملتی که اساس بینش، تفکر و فرهنگش بر پایه توحید و یکتاپرستی باشد، نمی‌تواند از هم گسیخته باشد. زیرا اعتقاد به خدای واحد تمام گروه‌های جامعه را به سوی یک هدف واحد، یعنی خدای متعال، هدایت خواهد کرد. در این صورت، امت واحده به وجود خواهد آمد، یعنی همان چیزی که رسول خدا ﷺ آن را در نظامنامه مدینه اعلام کرد. پیامبر ﷺ در سایه چنین اعتقادی توانست وحدت حقیقی را در میان اقشار مختلف جامعه به شکل کامل آن تحقق بخشد و میان جامعه بشری یک امت واحد، منسجم و به دور از هرگونه تعصبات قبیله‌ای و برتری‌جویی تأسیس کند. بدین ترتیب، رسول خدا یک بار در مکه میان تعدادی از مسلمانان و بار دیگر در مدینه میان مهاجرین و انصار برای ایجاد «امت واحده» پیمان برادری و اخوت دینی برقرار کرد. ابن هشام در این باره آورده است:

«أَخَى رَسُولُ اللَّهِ بَيْنَ أَصْحَابِهِ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ، فَقَالَ تَأَخَّوْا فِي اللَّهِ أَخَوَيْنِ أَخَوَيْنِ»^۲.

پیامبر رحمت ﷺ پیمان برادری را بر دو پایه اساسی «حق» و «مواسات» صورت

۱. بخاری، صحیح بخاری، باب فتن، ص ۲؛ مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، باب اماره، ص ۵۳.
۲. ابن هشام، سیره النبویه، ج ۱، ص ۴۸-۴۹.

داد و فرمود: «تَتَاخَوُّوا فِي اللَّهِ عَلَى الْحَقِّ وَالْمَوَاسَاتِ»؛ «در راه خدا بر اساس حق و مواسات با یکدیگر برادر شوید»^۱.

بنابراین آنچه از این پیمان برای جامعه مسلمانان حاصل شد، تنها بعد اخلاقی آن نبود، این پیمان نتیجه خوبی برای اجتماع اسلام داشت و آن وحدت جامعه بود. پیامبر اعظم ﷺ بر اساس همان دو اصلی که ذکر شد، با بستن پیمان برادری بین مسلمانان، یک اصل بنیادی را در روابط اجتماعی حاکم ساختند که در جوامع مترقی امروز هم کاربرد فراوانی دارد. پیمان برادری همگانی، تنها بر اساس نفی انگیزه‌های قومی و قبیله‌ای و بر محور حق و همکاری اجتماعی شکل گرفت؛ تصمیم داهیانۀ پیامبر ﷺ، کارآمدترین ابزار تحقق الفت در جامعه آن زمان بود و نشان از کوشش رسول خدا ﷺ برای پیدایش یک تعلق اجتماعی بالنده و نیز امت واحده بر محور ایمان به خدا داشت.

در جامعه امروز بهترین وسیله‌ای که می‌تواند جمع پراکنده مسلمانان را در یک صف واحد چون بنیان مرصوص قرار دهد، دو چیز است: نخست توجه به دستورات پیامبر اسلام ﷺ در تمسک به وحدت، برادری و همبستگی ملی و دیگری در نظر داشتن اصول اساسی اسلام. این دو عنصر در گفتار و کردار بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، به صراحت آشکار است؛ چنان‌که در پیام به حجاج می‌فرمایند: این وحدت و اخوت ایمانی که خدای تبارک و تعالی امر به آن کرده و میان مؤمنان منعقد ساخته، انحصار به مؤمنان یک کشور ندارد. این عقد اخوت بین تمام مسلمانان است و... تمام ممالک اسلامی باید با هم برادر باشند؛ زیرا بر همه قدرتهای عالم مسلط خواهند شد. جامعه‌ای که مانند پیکره‌ای واحد است، تمام افراد آن در این وحدت و همبستگی پایدار هستند و روح عشق و ایمان مذهبی در تار و پودشان جریان دارد، مثل آنها در کلام نبوی چنین بیان شده است:

«مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَ تَرَاحُمِهِمْ وَ تَعَاطُفِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرَ الْجَسَدِ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَى»^۲.

در این سخن، رسول خدا ﷺ مثل مؤمنان را در دوستی و رحمت و عطف به یکدیگر، مانند اعضای پیکر یک انسان می‌داند که با درد گرفتن و رنجور شدن یک عضو آن، اعضای دیگر هم متأثر می‌شوند.

۱. محمد رضا هدایت‌پناه، حدیث برادری در سیره نبوی، ص ۲۵.
متقی هندی، کنز العمال، ج ۱، ص ۱۴۹.

پیامبر ﷺ در جایی دیگر، مسلمانان را همانند دانه‌های شانه، یکسان و برابر خوانده و می‌فرماید:

«الناس كَأَسْنَانِ الْمُشِطِّ سِوَاءٌ!».

با این وجود، مسئله وحدت و اخوت اسلامی از مهم‌ترین عوامل و مسائل، بویژه برای ملت‌های جهان سوم، می‌باشد؛ زیرا در شرایط حساس کنونی، مسلمانان جهان، نه به صورت مقطعی، سطحی، احساسی و شعاری، بلکه به‌طور مداوم، ممتد، عمیق و اصولی، چه در هنگام ضعف و در موضع دفاع و چه در هنگام قوت و در موضع تهاجم، بنابر طبیعت اولیه و فطرت توحیدی و اسلامی و انسانی خود، با اتحاد ملی و انسجام اسلامی، می‌توانند انسان و انسانیت و جهان اسلام را از شرّ قدرتهای اهریمنی و استعماری نجات دهند و با همبستگی و اتحاد خویش، به توحید، کمال و سیر الی الله که هدف نهایی همه انسانهاست، برسند. وحدت و اخوت اسلامی از مهم‌ترین ایده‌ها و آرمانهایی است که مسلمانان جهان از صدر اسلام تاکنون، بر مبنای تعالیم عالیة اسلامی و دیانت حقه توحیدی در پی آن بوده و در مقابله با دشمنان اسلام و مسلمانان، آن را به عنوان یک تز و نظریه یا یک استراتژی و برنامه، در ابعاد و اشکال مختلف و متناسب با مقتضیات زمان، ارائه نموده‌اند.

اکنون که در جای جای جهان اسلام مذاهب اسلامی گوناگونی وجود دارد، اگر مسلمانان دست به دست هم دهند و در کنار هم یک حکومت و امت واحد توحیدی - که اساس آن یکتاپرستی و توحید با پیروی از سنت رسول خدا ﷺ و عمل به دستورات قرآن کریم باشد - تشکیل دهند، به یقین، دست ابرقدرتهای جهان را از کشورهای اسلامی کوتاه می‌کنند.

پس مسلمانان از هر نژاد و قبیله و دارای هر زبانی که باشند، با هم برابر و برادرنند؛ هر چند که یکی در شرق جهان زندگی کند و دیگری در غرب، در مراسم حج که مسلمانان از همه نقاط جهان در آن کانون توحیدی جمع می‌شوند، این پیوند و همبستگی نزدیک، به‌طور کامل، محسوس است و صحنه‌هایی از تحقق عینی این قانون مهم اسلامی به نمایش گذاشته می‌شود.

پیامبر اکرم ﷺ آشکارا اعلام می‌کرد، غلام حبشی و سید قریشی (هر دو) در نزد من یکسان هستند. از این‌رو، آن حضرت را منادی حق و توحید می‌دانستند، زیرا:

۵۷۹۸. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۷۹، ح ۵۷۹۸.

«كُلُّكُمْ أَدَمٌ وَ أَدَمٌ مِنْ تُرَابٍ لَيْسَ لِعَرَبِيٍّ عَلَيَّ عَجْمِي فَضَّلَ إِلَّا بِالتَّقْوَى»^۱.

نیز خداوند در قرآن به پیامبر ﷺ در اهمیت اخوت دینی می‌فرماید:

﴿وَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَأَلْفَ اللَّهُ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾^۲؛ «خداوند در میان دل‌های آنها الفت ایجاد نمود. اگر تمام آنچه روی زمین است، صرف می‌کردی در میان دل‌های آنها الفت بیفکنی، نمی‌توانستی، ولی خداوند در میان آنها الفت ایجاد کرد. او توانا و حکیم است».

بر اساس مفاد آیه:

اولاً: بدون تحقق الفت اجتماعی نمی‌توان سخن از جامعه زد.

ثانیاً: تحقق این امر تنها به دست خداست.

ثالثاً: مؤمنان نیز قادرند شرایط و زمینه‌های اجتماعی و انسجام اسلامی را فراهم آورند.^۳ سالیان دراز میان طایفه اوس و خزرج در مدینه جنگ و خونریزی بود و سینه‌های آنها مالامال از کینه و عداوت بود؛ آن چنان که هیچ‌کس باور نمی‌کرد روزی آنها دست دوستی و محبت، به سوی هم دراز کنند و در صف واحد قرار گیرند. ولی خداوند قادر و متعال این کار را در پرتو اسلام و در سایه نزول قرآن انجام داد. نه تنها اوس و خزرج - از طایفه انصار - چنین کشمکش داشتند، باران مهاجر پیامبر ﷺ که از مکه آمده بودند، پیش از اسلام با هم الفت و دوستی نداشتند، و چه بسا سینه‌هایشان از کینه یکدیگر پر بود. اما خداوند همه آن کینه‌ها را شست و از میان برد.

بعضی از مفسران آیه فوق را تنها اشاره به اختلافات اوس و خزرج که از انصار بودند، دانسته‌اند، ولی با توجه به اینکه مهاجرین و انصار هر دو در یک صف به یاری پیامبر ﷺ برخاستند، روشن می‌شود که آیه مفهوم وسیع‌تری دارد. شاید آنها اندیشیده‌اند که اختلاف تنها در میان اوس و خزرج بوده، در حالی که هزار گونه اختلاف و شکاف اجتماعی میان طبقه فقیر و غنی وجود داشته است؛ شکافهایی که در سایه اسلام پر شد.^۴

این قانون تنها برای مسلمانان نخستین نیست، بلکه امروز نیز که اسلام سایه خود را بر بیش از ۱/۵ میلیارد مسلمان! جهان گسترانیده و از نژادهای مختلف و اقوام متفاوت و گروه‌های اجتماعی متنوع، پیروانی دارد؛ هیچ حلقه‌ای اتصالی نمی‌تواند آنها را

۱. به نقل از: محمدرضا هدایت‌پناه، حدیث برادری در سیره نبوی، ص ۲۵.

۲. انفال/۶۳.

۳. حسین حسینی، اخوت و برادری، علوم انسانی اسلامی، شماره ۲۹.

۴. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۲۳۱.

با هم متحد سازد، جز حلقه اتصال ایمان و توحید. از این رو، از تشویقهای مادی صرف، کنگره‌ها و کنفرانسها کاری ساخته نیست، بلکه باید همان شعله‌هایی که در قلوب مسلمانان نخستین بود، در دلها افروخته شود. چون نصرت و پیروزی نیز تنها از راه وحدت و اخوت اسلامی میسر است. جامعه آرمانی پیامبر ﷺ که در آن اتحاد و برادری موج می‌زند، جامعه‌ای است که گرد یک محور، وحدت و انسجام یابد؛ یعنی:

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...﴾.

رسول خدا ﷺ در ایجاد اخوت و همبستگی جامعه بشری آن زمان تلاش فراوانی انجام داد و چون آرمان وحدت و اخوت را یکی از رسالت‌های الهی خود می‌دانست، رنج و تفرق مؤمنان بر او گران می‌آمد و سخت مهربان و هواخواه آنان بود؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾؛^۱

«همانا برای شما پیغمبری از خود شما آمد که بر او رنج شما گران است و او اصرار به هدایت شما دارد و نسبت به مؤمنان رئوف و مهربان است.»

در جامعه امروز نیز همه مسلمانان یکی هستند و هیچ فرقی بین شیعه و سنی از حیث اتحاد و ملیت وجود ندارد. همه مسلمانان در کنار هم با وحدت، همبستگی، برادری و برابری یک امت واحدند و اگر بخواهند به عظمت و جلال خود برسند، باید بازگشت به خویشتن نموده، اساس و پایه مؤاخات و برادری را دریابند و بدانند که خشنودی و رضای پروردگار را در صورتی به دست می‌آورند که اصل و پایه مهم و اساسی دینی خود را بازیابند و از زندگی آتش‌زا که نمودی از جهنم است، نجات پیدا کنند.

نتیجه

بینش موجود در پیمان اخوت، خود می‌تواند الگویی در ایجاد صلح و دوستی میان کشورها، بویژه کشورهای اسلامی، باشد؛ زیرا موضوع عقد اخوت، مسئله‌ای اخلاقی نیست، بلکه مسئله‌ای اجتماعی در دین اسلام است. این پیمان برای هر یک از طرفین عقد، مسؤولیت‌هایی در پی دارد؛ چراکه یقیناً هر فردی در زندگی، مصالح و منافی برای خود تصور می‌کند که ممکن است با دیگری متفاوت و حتی نقض‌کننده هم باشد. از سوی دیگر، شخصیت افراد با یکدیگر متفاوت است؛ لذا در این تناقضها و اختلافهای شخصیتی و سلیقه‌ای، نزاعهایی نیز برای دست‌یابی به منافع و مصالح شخصی پدید

۱. فتح/۲۹.
توبه/۱۲۹.

می‌آید که در نظم جامعه و امنیت آن تأثیر می‌گذارد. اما بی‌شک، آنچه در دستورات اسلام به عنوان شرط اساسی حفظ جامعه اسلامی مهم است؛ در نظر گرفتن مصالح اجتماع، با احترام به مصالح مشروع و معقول افراد است. از این‌رو، این پیمان باعث می‌شود تا این مشکل به صورت منطقی، حل و فصل شود؛ زیرا رفع منطقی این اختلافها با حاکمیت یک اصل مقبول که مصالح فرد و اجتماع در آن لحاظ شده است، محقق می‌شود.

بنابراین، هدف نهایی پیامبر ﷺ را می‌توان چنین خلاصه کرد: پیامبر ﷺ با ایجاد عقد اخوت میان مسلمانان، به خصوص مهاجرین و انصار، توانست بینش برادری و برابری اسلامی را توسعه دهد، بویژه اینکه پیامبر ﷺ سعی کرد تا در اخوت، حریمهای برتری طلبی و اشرافیت‌خواهی را بشکند؛ از این‌رو، میان برده و اسیر، سیاه حبشی و سید قریشی، و نیز بین غنی و فقیر، رابطه برادری ایجاد کرد، تا با هم گرد یک محور توحیدی - امت واحد - اتحاد و انسجام یابند.

اسلام ناب محمدی ﷺ در جامعه انسانی، به عنوان دینی حیات‌بخش و نشاط‌آفرین، همواره مسلمانان را به وحدت و محبت و بالاتر از آن، اخوت و برادری دعوت می‌کند و همگان را به صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز فرامی‌خواند.

امید است، امروز، امت اسلامی مفسد تفرق و تشّت و آثار شوم و نتایج مهلک پراکندگی را به خوبی درک کند و در سایه تحقیقات دانشمندان خیرخواه، صحنه حیات مسلمانان را روشن کند، تا همگی دست اتحاد و برادری به یکدیگر دهند. به امید روزی که عموم فرقه‌ها و پیروان مذاهب اسلامی با یکدیگر برادر شوند و گرد یک میز بنشینند، به موارد اختلاف رسیدگی کنند و به دستور صریح قرآن و با استناد به آیات قرآن و احادیث صحیح و معتبر نبوی رفع اختلاف کنند:

﴿فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ﴾؛ «اگر در چیزی اختلاف کردید، آن را به خدا و پیغمبر ارجاع دهید.»

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابراهیم حسن، حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جاویدان، تهران، ۱۳۶۰.
۳. ابن هشام، عبدالملک، السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا و دیگران، دار احیاء التراث العربی،

- بيروت، ١٩٨٥م.
٤. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ترجمة محمود مهدي دامغاني، فرهنگ و انديشه.
٥. ابن بابويه قمي شيخ صدوق، محمد بن علي، امالي، اعلمي، بيروت، ١٩٨٠ق.
٦. ابن سيد الناس، عيون الاثر في فنون المغازي و الشمائل و السير، دار الحضارة للطباعة و نشر، بيروت، ١٩٨٦م.
٧. ابن بابويه قمي شيخ صدوق، محمد بن علي، من لا يحضره الفقيه، صححه و علق عليه: علي اكبر غفاري، چاپ دوم، منشورات جماعة المدرسين في الحوزة العلمية في قم المقدسة، ١٤٠٤ق.
٨. ابن اثير، عزالدين ابوالحسن، اسد الغابة في معرفة الصحابة، نشر الوهبيية، قاهره، ١٢٨٠ق.
٩. ابن حبيب، محمد بن حبيب، المحبر، دار الافاق، بيروت، بي.تا.
١٠. ابن شعبه حراني، تحف العقول عن آل الرسول (عليهم السلام)، تصحيح علي اكبر غفاري، چاپ دوم، مؤسسة النشر الاسلامي.
١١. الدوري، عبد العزيز، النظم الاسلامية، وزارة التعليم العالي و البحث العلمي، بغداد، ١٩٨٨م.
١٢. بلاذري، احمد بن يحيى، انساب الاشراف، تحقيق محمد حميدالله، دار المعارف، مصر، بي.تا، ١٩٥٩م.
١٣. بخاري، محمد بن اسماعيل، صحيح بخاري، دار المعرفة، بيروت، بي.تا.
١٤. بهقي، احمد بن حسين، سنن الكبرى، دار المعرفة، بيروت، ١٤٠٦-١٤١٣ق.
١٥. پيشوايي، مهدي، تاريخ اسلام، دفتر نشر معارف، ١٣٨٢.
١٦. خواندمير، غياث الدين بن همام الدين، تاريخ حبيب السير في اخبار افراد بشر، تصحيح محمد دبير سياقي، خيام، تهران، ١٣٣٣-١٣٥٣ش.
١٧. دهخدا، علي اكبر، لغتنامه، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ١٣٧٧.
١٨. رهنما، زين العابدين، بيايمير: زندگاني حضرت رسول اكرم ﷺ، كتابخانه زوار، تهران، ١٣٣٠.
١٩. زرگري نژاد، غلامحسين، تاريخ صدر اسلام (عصر نبوت)، تهران، ١٣٧٨.
٢٠. سمهودي، علي بن عبدالله، وفاء الوفاء باخبار دار المصطفى، تحقيق محي الدين عبدالحميد، القاهرة، ١٣٧٤ق.
٢١. سهيلي، عبدالرحمان، الروض الانف في شرح السيرة النبوية، تحقيق عبد الرحمن الوكيل، دار احياء التراث العربي، بيروت، ١٤١٢ هجري.
٢٢. سلامه، كامل، دولة الرسول من التكوين الى التمكين، دار عمار، اردن، ١٩٩٤م.
٢٣. صالحى، هاشم، نهج الفصاحة، ترجمة ابراهيم احمديان، گلستان ادب، ١٣٨٥.
٢٤. صالحى شامى، محمد يوسف، سبل الهدى و الرشاد في سيرة خير العباد، تحقيق عبد العزيز عبد الحق حلمي، ١٤١١ق/١٩٩٠م.
٢٥. طباطبايي، سيد محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، دارالكتب الاسلامية، تهران، ١٣٩٧ق.
٢٦. اعلام الورى باعلام الهدى، مؤسسة آل البيت: قم، ١٤١٧ق.

۲۷. همو، مجمع البيان في تفسير القرآن، تصحيح ابوالحسن شعراني، بيروت، ۱۴۰۶ق.
۲۸. عبدالعزيز بن ادريس، عبدالله، مجتمع المدينة في عهد الرسول، جامعة ملك سعود، رياض، ۱۴۱۲ق.
۲۹. عاملي، جعفر مرتضى، الصحيح من سيرة النبي الاعظم، دار السيرة، بيروت، ۱۴۱۴ق.
۳۰. قندوزي حنفي، سليمان بن ابراهيم، ينابيع المودة، مكتبة الحيدرية، نجف، ۱۳۸۴ق.
۳۱. كليني، محمد بن يعقوب، اصول كافي، ترجمه و شرح حسن مصطفوي، گمگشت، تهران، ۱۳۷۷.
۳۲. مجلسي، محمدباقر، بحار الانوار، تصحيح محمدباقر بهبودي، چاپ سوم، مؤسسة الوفا، بيروت، ۱۴۰۳ق.
۳۳. مسلم بن الحجاج بن مسلم قشيري، صحيح مسلم، دار الكتاب العربي، بيروت، ۱۴۰۷ق.
۳۴. مطهري، مرتضى، سيرة نبوي، صدرا، تهران، ۱۳۶۱.
۳۵. مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، مصنفات الشيخ المفيد (مسار الشيعة)، المؤتمر العالمي لالفية الشيخ المفيد، قم، ۱۴۱۳ق.
۳۶. معين، محمد، فرهنگ فارسي معين، آزاده، ۱۳۸۲.
۳۷. مكارم شيرازي و همكاران، تفسير نمونه، دار الكتب الاسلامي، تهران، ۱۳۱۶.
۳۸. هدايت پناه، محمد رضا، حديث برادري در سيرة نبوي، دفتر تبليغات اسلامي حوزه علمية قم، قم، ۱۳۸۳.
۳۹. هندی، علي المتقي بن حسام الدين، كنز العمال في سنن الاقوال و الافعال، تحقيق، علي اكبر غفاري، دارالكتب الاسلامية، قم، بی تا.
۴۰. يعقوبي، محمد بن واضح، تاريخ يعقوبي، ترجمة ابراهيم آيتي، نشر علمي فرهنگي، تهران،